

## حرفه یا غیر حرفه

معمولاً یک رشته علمی و نیز یک حرفه هنگامی زاده می شود که مجموعه ای از مسائل و مشکلات در ارتباط با یکدیگر، روال عادی زندگی یا روال حرکت به جلو در زندگی گروه، جامعه، یا کل بشریت را از مسیر مطلوب منحرف می کند. در چنین شرایطی فرد، عده یا گروهی از انسان ها به این اندیشه روی می آورند که برای غلبه بر مسائل و مشکلات:

- لازم است مجموعه مسائل مرتبط مورد نظر، هم به لحاظ تاریخی و هم به لحاظ وضعیت فعلی کاملاً مورد شناسایی قرار گیرد و مباحث مربوطه به شیوه ای که بتوان آن ها را بخوبی ادراک کرد و به سهولت به دیگران فهماند، طبقه بندی شوند؛

- لازم است کل ابعاد مسئله و اندیشه ها و تجارب به کار گرفته شده برای غلبه بر مسئله، شناسایی شوند. جنبه هایی از مسئله که شیوه غلبه بر آن ها مشخص است، و پیامدهای مثبت و منفی ناشی از کاربرد آن شیوه ها و تجارب، مدون شوند؛ همچنین لازم است جنبه ها و حوزه هایی از موضوع که هنوز ناشناخته مانده اند و باید بر روی آن ها مطالعات جدی انجام گیرد، معلوم گردند.

با پیگیری موارد بالا و پیشرفت در گروه بندی دانسته ها، پیامدهای اقدام بر اساس دانسته ها، و برجسته سازی نادانسته های ارزشمند برای دانسته شدن، پیکره ای از دانش مربوط به یک رشته شکل می گیرد و مسیرهای مطالعاتی مربوطه شناسایی می شوند.

کتابداری و اطلاع رسانی به عنوان یک رشته علمی و نیز به عنوان یک حرفه، در حال گذر از مسیری مشابه با دیگر علوم و حرفه ها است. اینکه این علم یا این حرفه در کجای این مسیر قرار دارد، نیازمند بحث و بررسی در چهارچوب معیارهای شناخته شده برای حرفه یا غیر حرفه بودن یک رشته است.

حداقل 5 معیار زیر برای حرفه بودن، پذیرش عام یافته اند:

وجود حوزه ای بادوام از موضوعات یا دلمشغولی های انسانی؛

وجود پیکره مدونی از اصول (معرفت یا دانسته های نظری)؛

وجود پیکره مدونی از عملیات و تجارب (دانسته های عملی)؛

وجود استانداردهایی برای عملکردها؛

وجود مجموعه ای مدون از مسئولیت ها و اخلاقیات.

دستیابی به بخش قابل توجهی از این معیارها در حوزه کتابداری و اطلاع رسانی، از طریق پرداختن به مواردی که در ابتدای این نوشته به آن ها اشاره شد، به باور عده ای میسر شده و به باور عده ای، خیال می کنیم که میسر شده است. آثار این عدم توافق را در گزینش اسامی متفاوت برای دانشکده های کتابداری و اطلاع رسانی می توان ردیابی کرد. برخی دانشکده ها بر علم کتابداری و اطلاع رسانی و برخی دیگر بر مطالعات کتابداری و اطلاع رسانی تأکید دارند. این احتمال وجود دارد که شفاف نبودن وضعیت کنونی معیارهای پنجگانه بالا در کشورهای متفاوت، به این تفاوت نظر دامن زده باشد. در نوشته هایی که در دو سه سال گذشته

به فارسی منتشر شده- بویژه در آثاری که بود و نبود تئوری در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی را به بحث گذارده‌اند - نیز این عدم شفافیت، کاملاً به چشم می‌خورد.

خیال می‌کنم که اگر مدتی به جای استقبال از مقالات و کتاب‌هایی در موضوعات پراکنده، مطالعات، تحقیقات و حتی ترجمه‌های این رشته را متوجه 5 معیار اصلی حرفه‌شدن یک حوزه کنیم، به شفافیت بیشتری درباره حرفه بودن یا نبودن کتابداری و اطلاع‌رسانی دست می‌یابیم. پیشنهاد نمی‌کنم که در آثاری که در این حوزه تولید می‌شود هر پنج معیار، همزمان مورد توجه قرار گیرند - مناسب می‌دانم که هر یک از معیارها جداگانه مورد توجه، بحث و نقد قرار گیرد. باشد که با این گونه نگاه، به شفافیت بیشتری در آنچه که آموزش علم کتابداری و اطلاع‌رسانی می‌نامیم، و در پرداختن به امور عملی که حرفه کتابداری و اطلاع‌رسانی می‌خوانیم، دست یابیم.

**سردبیر**